

حمله فاشیستی دولت و ارتش ترکیه، کشتار و آوارگی صد ها هزار مردم کرد به چه معنی است؟

کامران هدایت - فرهاد کیان

مردم منطقه هر چند با احتیاط تصور می کردند که یکی از پر تنش ترین مناطق جهان حداقل موقتی در حال آرام شدن است. اما حملات نظامی وحشیانه و فاشیستی نیروهای اردوغان به منطقه کردستان سوریه (روزهوا) به آنها ثابت کرد که قدرتهای جهانی و منطقه ای قصد ندارند که بگذارند منطقه خاورمیانه حداقل بصورت موقتی کمی آرامش بگیرد. منافع جهانی و منطقه ای آنها ایجاب می کند که آتش تنش ها را با وحشیانه ترین و مرگبارترین سلاحها و نیروها و فجیع ترین جنایات روشن نگاه دارند. در بمبارانهای سنگین و حملات وحشیانه در هفته اول این جنگ، تعداد زیادی کشته و زخمی شده اند که اکثریت آنان را مردم غیر نظامی گرد تشکیل می دهند. در این مدت صدها هزار نفر از مردم کردستان که برخی منابع آن را تا ۳۰۰ هزار نفر و حتی بیش از آن تخمین می زنند جهت فرار از بمباران ها مجبور به ترک محل زندگی خود گشته و بسیاری بسمت کردستان عراق در حرکت اند. وحشی گری های ارتش ترکیه در رژهوا بیداد می کند و بخشی از آن را می توان در تصاویر و ویدئو های کوتاهی که توسط رسانه ها و یا شبکه های اجتماعی منتشر شده مشاهده کرد. از آنجمله کشتن فجیع هورین خلف زن ۳۵ ساله از رهبران اصلی جنبش کردستان سوریه (دبیر کل حزب سوریه آینده) توسط نیروهای (بنیادگرای) متحد ارتش ترکیه است که عکس العمل عظیمی را بهمراه داشت. هورین خلف، پس از آنکه مورد تجاوز گروهی قرار گرفت توسط همین نیرو سنگسار شد. این جنایت مردم کردستان رابه خشم آورده و عزم بسیاری را جزم کرده تا در مقابل ارتش ترکیه و متحدین ارتجاعی آن بایستند و مبارزه کنند. بنابر گفته رهبران کرد، ارتش ترکیه از سلاحهای شیمیایی که حامل فسفر سفید است در حملاتش به کردستان استفاده کرده است. همچنین هلال احمر کردی نیز از ۶ مورد سوختگی بر اثر سلاحهای نامشخص خبر داده است. تصویر چندین مورد سوختگی کودکان که از سلاحهای متعارف نیستند در شبکه های اجتماعی نیز پخش شده است. سازمان ملل و سازمان منع سلاحهای شیمیایی گفته اند که در این مورد در حال تحقیق هستند. این اشغال نظامی و وحشیگری های ارتش جنایتکار اردوغان به تشدید مبارزات و اعتراضات بر علیه این جنایت عظیم در گوشه و کنار جهان بخصوص در کردستان ایران و عراق دامن زده است.

چرا ترامپ به اردوغان چراغ سبز نشان داد؟

حملات نظامی ارتش ترکیه به رژهوا و اشغال بخشی از آن با یک حرکت بسیار دقیق ترامپ مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از سوریه صورت گرفت. این حرکت اگر چه در ظاهر به ادعای ترامپ خارج شدن از جنگها و درگیری های منطقه ای بود اما در حقیقت برداشتن موانع از سر راه حملات ارتش ترکیه به کردستان سوریه و حرکتی حساب شده برای برافروختن یک آتش درگیری تمام عیار بود. بر کسی حتی نیروهای امپریالیستی پوشیده نماند که بیرون بردن نیروهای آمریکا در این شرایط به معنی چراغ سبزی بود به اردوغان برای لشکر کشی به رژهوا و سرکوب کردها و دنبال کردن اهدافی که اردوغان و دولت ترکیه در مورد کردستان دنبال می کند.

سوریه در چند سال گذشته یکی از حادثترین کانون هایتصادهای جهانی و منطقه ای بوده است و همه نیروهای امپریالیستی از آمریکا و روسیه گرفته تا اروپایی ها و مرتجعین منطقه همچون عربستان سعودی، قطر، ایران، ترکیه و اسرائیل به نوعی از دخالتگری در آن غافل نماندند. اگر چه پس از جنایات عظیمی که در چند سال اخیر بر مردم این منطقه اعمال شد صدها هزار نفر کشته و یا مجروح شدند، میلیونها نفر بی خانمان و یا آواره شدند و گرسنگی و فقر میلیونها نفر را در بر گرفت اما بالاخره امپریالیستهای غربی و مرتجعین منطقه مجبور شدند که به باقی ماندن رژیم اسد در قدرت رضایت دهند و معادله عملا به نفع نیروهایی که از اسد حمایت می کردند تمام شود. اما به نظر می رسد که این همه جنایات علیه مردم سوریه کافی نبوده است و همانگونه که اشغال نظامی و پیاده کردن نیرو توسط قدرتهای امپریالیستی در منطقه و یا کشوری در جهت منافع منطقه ای و جهانی آنها قرار دارد اینبار به عکسبا بیرون کشیدن نیروهایشان آتش بیار معرکه شدند تا با بر هم زدن اوضاع شاید بتوانند جنایات دیگری را مرتکب شوند و شانس دیگری را هم در خدمت به منافعشان برای خود امتحان کنند.

این حرکت که امتیاز روشنی به اردوغان بود می توانست نفع دیگری برای آمریکا داشته باشد و آنهم اینکه اردوغان و روسیه و ایران را که از 2 سال پیش به هم نزدیک شده بودند را شاید در مقابل هم قرار بدهد. البته روسیه و ایران نه تنها اردوغان را محکوم نکردند بلکه تلاش کردند که از اوضاع استفاده کنند. گفته می شود که روسیه هیچگاه تماس خود با رهبری رژوا را قطع نکرده بود با میانجیگری باعث شد کردها با رژیم اسد در این شرایط مصالحه کنند. کردهای سوریه با اسد توافق کرده اند تا نیروهای سوری جهت حفاظت از مرزها وارد کردستان شوند و بعد از اتمام جنگ قول نوعی خود مختاری به کردها داده شده است. اما این مسئله ای است که با تحولات بیشتر اوضاع روشنتر خواهد شد. ۱۴ اکتبر خبرها حاکی از ورود ارتش سوریه و متحدینش به بخش هایی از کردستان بود. سیر تحولات خیلی مشخص نیست و می تواند به حاد شدن برخی تضادها از جمله تضاد بین ترکیه و روسیه دامن زند. اما آنچه مسلم است روسیه تلاش کرده است که به چنین تضادی دامن نزند. از طرف دیگر برخی از صاحب نظران این احتمال را نیز می دهند که ممکن است آمریکا و روسیه از قبل بر سر اهدافی که ترکیه دنبال می کند توافق کرده باشند. بدون شک تحولات بیشتر این مسئله را روشن تر خواهد کرد.

امپریالیست های اروپایی گرچه در ظاهر مخالفت خود را در حرف و با قطع فروش اسلحه به ترکیه اعلام کردند، اما در نهایت به دنبال حفظ منافع خود در این منطقه و جلوگیری از ورود سیل پناهندگان به اروپا هستند.

هر چند ترامپ ظاهرا چنین نشان می دهد که از عمل ترکیه راضی نیست اما بر بسیاری پوشیده نمانده است که بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی عملا برداشتن موانع بر سر حملات ترکیه به کردها بوده است و نه تنها رسانه ها و جناحهای مخالف ترامپ بلکه حتی بسیاری از محافل امپریالیستی وابسته به جناح جمهوری خواهان درون حکومت آمریکا آنرا یک خیانت آشکار به کردها تلقی کردند. واکنش های لفظی و اخطارهای ترامپ هم در مورد ترکیه از آنجاست که بیم آنرا دارد که اردوغان بخواهد از شرایط حداکثر استفاده را بکند و پایش را از گلیمش دراز تر کند. به همین دلیل اخطارهایش به اردوغان به این دلیل است که حد خود را در محدوده سرکوب مردم کردستان سوریه نگاه دارد و تنها در جهت اهداف توافق شده عمل کند و مبادا دست به کاری زند که در تضاد با منافع آمریکا و موقعیت آن در منطقه باشد. به همین دلیل هیئت آمریکایی متشکل از مایک پنس معاون ترامپ و مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به ترکیه سفر کرده و با اردوغان در این مورد مذاکره کردند. نتیجه مذاکره به خوبی نشان می دهد که آمریکا با اهداف ترکیه به شرط آنکه زیاده روی نکند موافق است. تنها نتیجه حاصل

از این مذاکره که توانستند بر روی آن تبلیغ کنند آتش بس ۱۲۰ ساعتی بود تا غیر نظامیان بتوانند منطقه مورد حمله را ترک کنند هر چند که همین آتش بس از جانب ارتش ترکیه رعایت نشد. طبق این توافق نامه حق ایجاد منطقه امن به ارتش ترکیه نیز داده شده است، افراد غیر کرد از مناطق عرب نشین و ترکمن نشین به منطقه بین کردستان ترکیه و سوریه کوچ داده می شوند تا میان دو منطقه کردستان کاملاً فاصله ایجاد شود و بخشی از کردستان سوریه در اشغال ترکیه قرار گیرد و تا از این طریق کردستان سوریه از کردها خالی شود و اردوغان به آرزوی دیرین خود برسد.

ترکیه اهداف بالاتری را نیز دنبال می کند که حداقل آن گسترش نفوذ منطقه ای خود در رقابت با عربستان سعودی و ایران است و اینکه بتواند خود را به مثابه قدرتمندترین نیروی منطقه ای تحمیل کند. این اهداف از طریق سرکوب وحشیانه مردم کردستان و حتی نسل کشی در این خطه به پیش می رود. سرکوب مردم کردستان یکی از پایه ای ترین و از ستون های اصلی حکومت های ترکیه از زمان آتاتورک بوده است. اما جمعیت عظیم کردها در ترکیه و مبارزات آنها همیشه خاری در چشم حکومت های فاشیستی حاکم بر ترکیه بوده و هست و سرکوب آنها حتی در خارج از مرزها از وظایف این حکومت ها بوده است. تجاوز ارتش ترکیه به کردستان عراق تحت عنوان تعقیب مبارزین کرد که آنها را "تروریست" می نامند از آن جمله اند.

چرا ترکیه از فرار داعشی ها واهمه ای ندارد؟

از همان آغاز جنگ، تبلیغات بین المللی در ارتباط با " احتمال فرار " زندانیان داعش آغاز گشت. در دورانی که داعش در بخشهایی از سوریه حکومت می کرد و حملات گسترده ای علیه کردها براه انداخت نیروهای کرد در جنگ با داعشی ها بیش از ۱۱ هزار کشته دادند. بر طبق گزارش ها در حدود ۹۰ هزار نفر از جنگنده های داعش و خانواده هایشان قبل از حمله نظامی ترکیه در بازداشت نیروهای کرد بودند. اما علیرغم آن به نظر می رسد که ترکیه به صورت آگاهانه ای مناطقی را که زندانی های داعشی در آنها نگهداری می شوند را شدیداً بمباران می کند و نیروهای کرد را مجبور به ترک این مناطق می کند تا داعشی ها آزاد شوند. بر طبق گزارش ها تا بحال چندین هزار نفر از این زندانیان فرار کرده اند و احتمال فرار بقیه نیز بسیار است. این مسئله قدرت گیری دوباره داعش در منطقه را امکان پذیر ساخته است و بعد از آغاز حمله ترکیه چندین بمب گذاری انتحاری از جانب داعش که به کشته و زخمی شدن دهها نفر منجر شده گزارش شده است.

نیروهای بنیادگرایی که متحد ارتش ترکیه به نام (سوریه آزاد) است و ارتباط نزدیک با داعشی ها دارند، امیدوارند که بخش مهمی از فراریان را به سمت خود جلب کنند و یا آنان را وادار سازند که با کردهای سوریه بجنگند و به این وسیله ادامه جنگ و درگیری و ناامنی را برای مردم این خطه تضمین کنند. به احتمال بسیار زیاد توافق نامه بین آمریکا و ترکیه در نظر دارد که بسیاری از کسانی را که به منطقه بین دو کردستان کوچ می دهند از میان همین بنیادگرایان متحد ترکیه (سوریه آزاد)، داعشی ها و خانواده های آنان باشد. تا از طریق این نیروها حکومت خود بر چند میلیون نفر غیر کردی که در نظر دارند در آن منطقه "امن" اسکان دهند، اعمال کنند و این منطقه به معنای واقعی در کنترل دولت ترکیه باقی بماند.

تأثیرات بین المللی :

اگر این جنگ ادامه یابد و طولانی شود، تضادهای موجود را به مراتب تشدید خواهد نمود و نیروهای درگیر منطقه ای و بین المللی را وادار خواهد ساخت تا دخالتهای نظامی خود را گسترش دهند.

(امپریالیسم فرانسه جابجایی نیروهای نظامی خود در سوریه را جهت حفاظت و گسترش نفوذ خود آغاز نموده است.) آمریکا نیز نیروهای خود را از سوریه به عربستان انتقال داده است و احتمال دارد تعداد بیشتری به سوریه دوباره اعزام کند. در این صورت میلیونها نفر دیگر از مردم منطقه آواره خواهند گشت.

جمهوری اسلامی که مستقیماً در جنگ سوریه درگیر است مترصد استفاده از این فرصت هست. بنابراین ادعای رهبران کردستان سوریه، نیروهای متحد جمهوری اسلامی از جناحی دیگر حملات نظامی محدودی را بر علیه کردها در همان روزهای آغاز حمله ترکیه به پیش بردند. هدف جمهوری اسلامی از این حملات از یک طرف سرکوب نیروهای کرد بطورکلی است، زیرا ضعیف تر شدن نیروهای کرد در مجموع به نفع جمهوری اسلامی است که با ملت کرد در ایران که برای حقوق پایمال شده خود مبارزه می کنند روبرو است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی به این وسیله فشار دیگری را بر کردها وارد می کند تا آنها را مجبور به مذاکره با رژیم اسد در راستای سیاست تمامیت ارضی سوریه کند، یعنی همان چیزی که جمهوری اسلامی در ایران دنبال می کند و از این جهت با ترکیه نیز احساس همدردی می کند.

اما از طرف دیگر رژیمهای حاکم در عراق، سوریه، ترکیه، ایران که اساساً بی ثباتند می دانند که ادامه یابی و تشدید اوضاع کنونی پتانسیل آنها دارد که آنها را به مراتب و کیفیتاً بی ثبات تر کند و شورش های پا برهنگان را تسریع نماید. ادامه جنگ و تشدید تضادهای ملی و منطقه ای و بین المللی پتانسیل آغاز این شورشها در ابعادی به مراتب عظیم تر از آنچه که تا کنون بوده اند را در خود حمل می کنند. اما از آنجا که در شرایط کنونی نیروی انقلابی قدرتمندی که بتواند این مبارزات را به یک جنبش انقلابی و مردمی رهنمون سازد وجود ندارد. جنگ ها و مبارزات آزادیبخشیکه در نتیجه این شورش ها بوجود می آیند می توانند به ذخیره نیروهای ارتجاعی مبدل گردند و یا قربانی مبارزات بازیگران بزرگتر گردند. نمونه مبارزات در تاریخ کردستان گواه چنین واقعیتی است. حتی اگر نخواهیم به مبارزات دو قرن اخیر مردم کردستان برگردیم، مبارزات مردم کردستان سوریه در چند سال اخیر بر چنین واقعیتی صحنه می گذارد. این موضوع تا آن اندازه روشن است که حتی تیتربسیاری از رسانه های غربی و موضوع داغ بسیاری از بحث ها در محافل امپریالیستی خیانت چند باره آمریکا به کردهاست.

هنگامیکه داعش بخش شمالی عراق و قسمت مهمی از سوریه را به اشغال خود درآورد در حال گسترش دامنه نفوذ خود بود نیروهای مرتجع منطقه و امپریالیستها از سرکوب آن یا عاجز بودند و یا از آن اجتناب می کردند دلیل آن هم روشن است. آنها خود در پدیدار شدن و قدرت گرفتن داعش نقش مهمی داشتند. داعش متحد مستحکمی برای آمریکا و بقیه امپریالیستهای غربی و مرتجعین منطقه از جمله ترکیه، عربستان و امارات علیه بشار اسد بود. در چنین شرایطی توان سیاسی ایدئولوژیک و در نتیجه نظامی را برای سرکوب آن از دست داده بودند و در مقابل جنایات این گروه مثلاً علیه مردم ایزدی با بی تفاوتی کامل عمل کردند. در اصل این مردم کردستان و نیروهای کرد بخصوص در کوبانی بودند که با مبارزات قهرمانانه در مقابل داعش ایستادند و این مبارزات و جانبختن هزاران نفر از مردم و مبارزین کردبود که توانست کردستان را تا حد زیادی از داعشها پاک کند. اما افسوس که رهبران رژوا از تاریخ درس نگرفتند. در گذشته بارها مبارزات مردم کردستان توسط رهبران آن به بیراهه کشانده شده است. بارزترین نمونه آن هنگامی است که ملامصطفی بارزانی تلاش کرد که از دشمنی میان حکومت شاه (و اسرائیل) با حکومت عراق استفاده کند اما از این طریق جنبش کردستان عراق را که جنبشی قدرتمند بود عملاً به نیروهای مرتجع اهدا کرد. شاه ایران تحت رهبری نیکسون و

کیسینجر در الجزایز با عراق به توافق رسید که در نتیجه باز هم خنجری از پشت به جنبش کردستان زده شد. هنوز نظریه "دشمن دشمن من دوست من است" در کل منطقه نیرومند است. علت اساسی آن به اعتقادات رهبری این جنبشها برمی گردد که یا اعتماد استراتژیک به قدرت توده ها ندارند و یا آن چه را که در نهایت تعیین کننده می دانند کمک قدرتهای بزرگ است و به همین دلیل به آنها اتکاء می کنند. اما قدرت های بزرگ بجای کمک به این جنبش ها تلاش می کنند آنها را در خدمت به منافع منطقه ای و جهانی خود قرار دهند و هنگامی که تاریخ مصرف شان بسر رسید آنگاه آنها را وجه مصالحه سازش های خود قرار دهند. برخورد ترامپ و امپریالیسم آمریکا در برخورد به رژاوا حکایت چنین داستان آشنایی است. همانگونه که اشاره شد بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی، اشاره مستقیمی به اردوغان برای حمله به رژاوا بود. چرا؟ منافع امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی چنین حکم می کند. شاید ترامپ به این نتیجه رسیده که تاریخ مصرف آن به سر رسیده است. شاید هدفش بی ثبات تر کردن منطقه است که به گونه ای در حال "آرام" شدن بود. شاید هم هدف قرار دادن اردوغان در مقابل روسیه و ایران بود. به هر حال این نتیجه اتکاء کردن و متحد شدن با امپریالیستهای است که وجودشان در دشمنی با توده ها و منافع آنان قرار دارد.

سیاست استفاده از تضادهای بین ارتجاع با سیاست اتکاء به این تضادها - فرق کیفی دارد. جای تعجب دارد که اتکاء به امپریالیست ها و یا مرتجعین داخلی، حتی بعد از اشغال کردستان سوریه توسط ترکیه آنها با توافق آمریکا از جانب برخی از رهبران کردستان سوریه ادامه می یابد و کماکان از آمریکا می خواهند که به "قولهای خود وفا کند و آنها را تنها نگذارند."!

حمله نظامی ترکیه به رژاوا و آواره گی صدها هزار مردم کرد

تصمیم سریع ترامپ مبنی بر بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی و حمله بی درنگ ارتش ترکیه با وحشیگری هرچه تامتر باعث غافلگیری مردم کرد شد که آنها را مجبور به رها کردن محل زندگی خود نموده و کوچ خیل عظیمی از کردها به مناطق دیگر سوریه و یا کردستان عراق را به همراه داشته است. این جابجایی عظیم که به نظر می رسد تا بحال چند صد هزار نفر را در برداشته تنها نتیجه معمولی یک حمله نظامی نیست. بلکه هدف پاکسازی منطقه از توده های کرد و جایگزین کردن آنها با پناهجویان سوریه که فعلا در ترکیه به سر می برند، را در بر دارد. بر اساس آمارهای غیر رسمی نزدیک به ۵ میلیون پناهجوی سوریه تحت بدترین شرایط در ترکیه زندگی می کنند که در حدود یک و نیم تا ۲ میلیون آنان "غیرقانونی" هستند. این پناهجویان پیوسته مورد هر نوع توهین، تحقیر، زندان و شکنجه، سرکوب، آزار جنسی و ستم و استثمار شدید قرار دارند. در این میان جوانان را تحت فشار قرار می دهند تا به گروههای بنیاد گرای متحد ترکیه بخصوص "ارتش آزاد" بپیوندند. اردوغان در نظر دارد این پناهجویان را با تهدید به اخراج در مناطق به اصطلاح "امن" در داخل خاک کردستان سوریه اسکان دهد. این همان چیزی است که از آن به عنوان "سد انسانی" نام می برند. دولت ترکیه می خواهد از این طریق بین کردستان ترکیه و سوریه فاصله ایجاد کند و کنترل آنرا هم به دست متحدین بنیادگرای خود یعنی "ارتش آزاد سوریه" بسپارد که به معنی آنست که کنترل آن در دست ترکیه باقی خواهد ماند. این طرح به احتمال زیاد مورد توافق آمریکا بوده و در مذاکرات پنس و پمپئو با اردوغان مورد تاکید قرار گرفته است. طرحی که از نظر اصولی احتمالا مورد مخالفت روسیه و سوریه قرار نخواهد گرفت. زیرا در بر گیرنده منافع آنها حداقل در شرایط کنونی نیز خواهد بود. بی دلیل نیست که بر تعداد مهاجرین و پناهجویان سرعت افزوده می شود و در طول کمتر از ده روز، در حدود ۳۰۰ هزار (این رقم را سازمان ملل تا کنون ۱۶۰ هزار نفر اعلام کرده است اما رقم واقعی بیش از آن است) نفر آواره گشته و بسمت مناطق دیگر و مرزهای کردستان عراق در حرکتند. کوچ اجباری نه تنها

نتیجه این جنگ تجاوزکارانه بلکه یکی از اهداف آنست تا دموگرافی منطقه را تغییر دهد و جنبش کردستان را برای همیشه نابود کند.

قدرتهای امپریالیستی بعد از جنگ اول جهانی در کنفرانس لوزان در سوئیس، کردستان را میان چهار کشور تقسیم کردند و حق تشکیل دولت را از آنها گرفتند. از آن زمان دسیسه ها و توطئه ها و خیانت علیه جنبش های کرد توسط قدرتهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه ای ادامه داشته است. اما مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی و حق تعیین سرنوشت به مبارزات خود ادامه داده اند. اینبار نیز باید از تجارب گذشته درس گرفت و از هر گونه اتکاء و لم دادن به قدرت های امپریالیستی پرهیز کرد چرا که قدرتهای امپریالیستی خود بخشی از مشکل و معضل رهایی مردم کردستان بوده و هستند.

به هر حال در شرایط کنونی برای سقط کردن اهداف شوم دولت ترکیه و آمریکا و بقیه مرتجعین داخلی و منطقه ای باید این حمله وحشیانه و تجاوزکارانه ترکیه که با توطئه ترکیه و آمریکا طراحی شده است را شدید محکوم کرد، در مقابل آن ایستاد و از مبارزات مردم کردستانبا تمام قوا دفاع کرد.

مبارزه برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)

۲۰ اکتبر ۲۰۱۹

Web site: www.ri-awwb.org

email: awwb.pm@gmail.com

Facebook.com/riawwb